

راهبردهای اصلاح رفتارهای اقتصادی با تأکید بر بازخوانی آموزه های اقتصاد

اسلامی در حکومت علوی

فیض الله اکبری دستک^۱
نرگس سعیدی^۲

چکیده

احکام و تکالیف آیین مقدس اسلام در ابعاد و زمینه های گوناگونی قابل بررسی و الگوبرداری است؛ از این رو علاوه بر احکام فردی و جنبه های اخلاقی، برای اداره هر چه بهتر جامعه از بعد اقتصادی نیز راهکارهای عملی و نظری قابل توجهی را ارائه می نماید که الگوها و راهبردهای کلان اسلامی را می توان در سیره پیامبر اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) جستجو نمود. بر این اساس مقاله حاضر آموزه های اقتصادی اسلام را با تأکید بر سیره عملی امام علی (ع) که خود در رأس حکومت جامعه اسلامی بوده و به مدیریت آن پرداخته، مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد؛ بنابراین با مطالعه و تدبیر در سیره اقتصادی و مدیریتی امام علی (ع) می توان سیاست ها و راهبردهای اقتصادی آن حضرت در اداره جامعه را در دو بخش نظری از قبیل: تبیین الگوی جامع اخلاق کارگزاران اقتصادی همچون خدامحوری، امانت داری، قانون مداری و نیز در بخش عملی از قبیل: تقسیم عادلانه بیت المال، بستر سازی تولید و اشتغال، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض و نیز تقویت سیستم های نظارتی اقتصادمحور جستجو کرد.

کلیدواژه ها: امام علی (ع)، عدالت ورزی، اقتصاد اسلامی، فقرستیزی، اخلاق کارگزاران، نظارت.

۱) استادیار دانشگاه الهیات دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج؛ f.akbari@kiauo.ac.ir

۲) کارشناس ارشد الهیات؛ fahim702@yahoo.com

۱- بیان مسئله

امام علی (ع) که در تلقی صحیح دینی، پس از پیامبر اکرم (ص)، بزرگترین مفسر و مبین قرآن کریم و مقاصد دینی به شمار می رود، در مجموعه ی سیره ی نظری و عملی خود بویژه در دوران تصدی حاکمیت و مدیریت اجرایی جامعه ی اسلامی، دارای سیاست ها و راهبردهای اصلاحی در عرصه ی مدیریت اقتصادی و نیز ساماندهی نظام سالم روابط اقتصادی بین مردم و حکومت می باشد، همچنان که در همین راستا و با مطالعه ی دقیق و عمیق سیره ی عملی آن حضرت می توان نظیر چنین استراتژی ها و جهت گیری هایی را در مؤلفه های بینشی و روشی ایشان در سایر عرصه های مدیریت کلان اجرایی جامعه ی اسلامی از قبیل مدیریت فرهنگی و اجتماعی، مدیریت سیاسی و نیز مدیریت نظامی و دفاعی با بهره گیری از آموزه های قرآنی و سنت نبوی (ص) جستجو نمود؛ بنابراین مقاله حاضر کوشیده است تا به این سؤال پاسخ دهد که مهم ترین راهبردهای اصلاحی امیرالمؤمنین علی (ع) در عرصه مدیریت اجرایی و اقتصادی جامعه اسلامی به عنوان حاکم دینی چه بوده است و ایشان برای سالم سازی روابط اقتصادی میان مردم و حکومت به ویژه در زمینه ی رونق فعالیت های اقتصادی و نیز نقش حمایتی - نظارتی دستگاه حکومت برای مبارزه با ویژه خواری (رانت) و مفساد اقتصادی چه برنامه ها و رویکردهایی داشته اند؟

۲- جایگاه اصل اعتدال در نگره و عملکرد اقتصادی

اعتدال و میانه روی حدّ فاصل میان افراط و تفریط می باشد که چنین کاری از نظر اسلام در همه چیز مطلوب است. قرآن کریم مسلمانان را به سبب پیروی از اسلام به عنوان «امت وسط» یعنی امت معتدل معرفی می کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۳۲۰) و می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا»؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم (البقره/۱۴۳). مولای متقیان علی (ع) آنان را که از راه اعتدال به سوی افراط و تفریط کشانده می شوند، جاهل می خواند و می فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُقْرَطًا»؛ نادان را یا تندرو یا کندرو می بینی (سیدرضی، حکمت ۷۰). انسان مسلمان در انفاق و مصرف کردن، نه اسراف می کند و نه سخت گیری؛ بلکه میانه ی این دو را برمیگزیند. این اصل که در آموزه های دینی بر آن تأکید می شود از سوی خرد و فطرت آدمی نیز تأکید شده

است؛ زیرا سامان دهی و استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی او، مرهون رعایت همین اصل است؛ علاوه بر آن، اهمّیت رعایت میانه‌روی در اقتصاد، از آنجاست که از یک‌سو نیازهای انسان گوناگون است و به دلیل محدودیت‌ها نمی‌تواند تمام آن را به بیشترین مقدار برآورده سازد؛ از این‌رو باید نیازهای گوناگون را در نظر بگیریم و در حد اعتدال به آن رسیدگی کنیم. از طرفی زندگی سلامت و نشاط انسان و پرداختن به جنبه‌های دیگر زندگی بویژه امور معنوی، نیازمند مصرف بهینه است. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «کسی که میانه‌روی را شیوهی خود قرار دهد، ثروت و بی‌نیازی او دوام خواهد داشت و روش اعتدال، فقر و مشکلات زندگی او را جبران خواهد کرد». (آمدی، ۱۴۰۵: ۳۵۴). امام علی (ع) درباره میانه‌روی چنین می‌فرماید: «علیک بالقصد فی الامور»؛ بر تو باد میانه‌روی در کارها (همان: ۳۵۳)، و نیز آن حضرت در خطبه‌ی همام (متقین) در مورد نشانه‌های پرهیزگاران می‌فرماید: «و مَلْبَسُهُمُ الْاِقْتِصَادُ»؛ و پوشاکشان میانه است (سید رضی/خطبه ۱۹۳)؛ پس «میانه روی در پوشاک، فضیلتی است که از مراعات عدالت در لباس نشئت می‌گیرد؛ بنابراین او لباسی نمی‌پوشد که وی را در زمره‌ی اسراف‌کاران درآورد و چیزی برتن نمی‌کند که بیرون از عرف زاهدان و پارسایان بوده و او را در جرگه فرومایگان و خسیسان وارد سازد» (بحرانی، ۱۳۶۲: ۱۴/۳). دین اسلام، اسراف و تبذیر را نمی‌پذیرد و در نقطه‌ی مقابل آن سخت‌گیری در مخارج زندگی را نیز قبیح و ناپسند می‌شمارد و اجازه نمی‌دهد که افراد حریص و مال‌اندوز و تنگ‌نظر به بهانه‌ی پرهیز از اسراف، در دامن خساست و سخت‌گیری در مصرف بیفتند. رسول خدا در این باره می‌فرماید: «نشانه‌ی مُسرف چهار چیز است: ۱- به کارهای باطل می‌نازد؛ ۲- آنچه را فراخور حالش نیست می‌خورد؛ ۳- در کارهای خیر بی‌رغبت است؛ ۴- هر کس را که به او سودی نرساند قبول ندارد» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۲). در اسلام همان‌گونه که تجمل‌گرایی افراطی که از آن به تجمل‌پرستی تعبیر شده، مردود است، محروم کردن خود از زیبایی‌های پاک و حلال مانند لباس زیبا و مناسب، زیبایی‌های طبیعت و... پسندیده نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: «هرکس اعتدال و میانه‌روی را خوب رعایت نکند در اثر اسراف‌گری به نابودی

کشیده می‌شود» (آمدی، ۱۴۰۵: ۶۴۱)؛ بنابراین راه نجات و موفقیت در اقتصاد و دیگر امور در اعتدال است و این روش باعث ثبات بلکه پیشرفت خواهد شد. آن حضرت در جای دیگر می‌فرماید: «نادیده گرفتن برنامه‌ی اعتدال در زندگی باعث فقر و بدبختی می‌گردد» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۷۶). رعایت میانه‌روی در اقتصاد و هزینه‌های زندگی به اندازه‌ای مهم است که آن حضرت درک لذت ایمان واقعی را منوط به آن دانسته و فرموده است: «انسانی که این سه خصلت را نداشته باشد، حقیقت ایمان را نخواهد چشید. ژرف‌اندیشی، صبر و شکیبایی در حوادث، اندازه‌گیری نیکو در معیشت» (همان: ۱۲۹/۲). مولای متقیان علی (ع) که خود تراز عدل و داد است درباره‌ی میانه‌روی در اقتصاد و پرهیز از اسراف و تبذیر چنین می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُيْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ غَنِيٌّ وَاللَّهُ تَعَالَى سَأَلَهُمْ عَنْ ذَلِكَ»؛ «همانا خدای سبحان روزی فقیران را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقیری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران و خداوند از آنان درباره‌ی گرسنگی گرسنگان خواهد پرسید» (نهج البلاغه/حکمت ۳۲۸). آن حضرت در این فرمایش خود بر وظیفه‌ی مهم و سنگین ثروتمندان و توانگران در برابر فقیران و نیازمندان جامعه تأکید می‌ورزد که چگونه این امر عامل شکل‌گیری و نیز حرکت ارکان اقتصادی جامعه بر محور اصل اعتدال و میانه‌روی در جامعه خواهد بود.

۳- سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی حکومت علوی

سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی در حکومت علوی را می‌توان به عنوان یکی از مهمترین الگوها در جامعه اسلامی جهت ارتقاء و بهبود وضع اقتصادی جامعه اسلامی قرارداد؛ از این رو، به طور کلی این سیاست‌ها و راهبردها را می‌توان در دو بخش نظری و نرم افزاری و نیز در بخش عملی و سخت افزاری دسته‌بندی نمود که ابتدا عناصر و مؤلفه‌های اقتصاد نظری و سپس عناصر و مؤلفه‌های اقتصاد عملی آن مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد:

۳-۱- تبیین الگوی جامع اخلاق کارگزاران اقتصادی (فرهنگ سازی)

اخلاق اجتماعی از مهم‌ترین موضوعاتی است که ارتباط انسان‌ها را با خود و با جامعه مطرح می‌سازد. از آنجایی که در میان ادیان الهی، اسلام دین اجتماعی است و در آن آرمان‌ها و ایده‌های جمع‌گرا فراوان دیده می‌شود در جای جای نهج‌البلاغه که یکی از مهم‌ترین منابع این دین است، به این مهم بسیار پرداخته شده است. امیرمؤمنان علی (ع) در دوران حاکمیت خویش به نصب افراد لایق و شایسته در جامعه‌ی اسلامی پرداخته و در این راستا توصیه‌های بسیاری به کارگزاران خویش گوشزد کرد و اعمال و رفتار آنان را زیر نظر گرفت. آن حضرت بزرگترین آفت را تسلط مستکبرانه‌ی کارگزاران بر مردم می‌دانست و مکرر به آنان امر می‌کرد که با مردم مدارا کنند و در همه حال به یاد داشته باشند که حاکم اصلی خداست و دیگران فقط وسیله‌ای هستند برای خدمت به بندگان خدا، همچنان که ایشان در سخنرانی خود می‌فرماید: «همانا من و شما بندگان، مملوک پروردگاریم که جز او پروردگاری نیست» (سید رضی/خطبه ۲۱۶). آن حضرت در ضمن عهدنامه‌ی مالک اشتر چنین یادآوری فرموده است: «از خداوند بزرگ با رحمت گسترده و قدرت برترش در انجام تمام خواسته‌ها درخواست می‌کنم که به آنچه موجب خشنودی اوست، من و تو را موفق فرماید که نزد او و خلق او دارای عذری روشن باشیم، برخوردار از ستایش بندگان، یادگار نیک در شهرها و رسیدن به همه‌ی نعمت‌ها و کرامت‌ها بوده» (سید رضی، نامه ۵۳). امام علی (ع) نوع نگاه و بینش کارگزاران را به کار و مسئولیت تغییر می‌داد و به آنها یادآوری می‌کرد که این شغل وثیقه‌ای است از جانب خداوند و نباید در برابر آن مغرور شوند؛ همچنین به این کار نباید به دید یک منصب بنگرند؛ بلکه باید به مردم تعهد بسپارند و امانتی را که به دست آنها سپرده شده است به نحو احسن نگاه دارند. آن حضرت در این باره می‌فرماید: «همانا پست فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نبوده؛ بلکه امانتی در گردن تو است و باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی. تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی». (همان: نامه ۵)، در قسمتی از این نامه ابن میثم چنین توضیح می‌دهد که «استدلال امام علی (ع) از این بیان که حق ندارد رعیت خود را بازور به کاری

و ادار سازد برخلاف کسی است که او را مسئول قرار داده و نمی‌تواند به‌کار خطیری از امور مالی و غیر آن اقدام کنند، می‌باشد» (بحرانی، ۱۳۶۲: ۳۵/۴). مولای متقیان علی(ع) با توجه به اینکه می‌دانست آفت حاکمان گرایش آنان به هواهای نفسانی و به تبع آن افراط و تفریط و دوری از اعتدال و میانه‌روی در زندگی و برخوردهای اجتماعی و اقتصادی آنان خواهد بود، پس در انتخاب این افراد دقت بسیار داشت. از این رو امام علی(ع) در خصوص ضرورت رعایت اخلاق اجتماعی کارگزاران، دستورالعمل‌ها و توصیه‌هایی را به آنان گوشزد نمود که به چند مورد آن اشاره می‌شود:

۳-۱-۱- خدامحوری و دین‌مداری

در اندیشه توحیدی مولای متقیان علی(ع) ایمان به حقیقت هستی و باورهای دینی در اصلاح اخلاق اجتماعی نقش اساسی دارد؛ از این رو آن حضرت در فرمان‌های حکومتی و اداری خویش با توجه دادن به ناظر حقیقی و یادآوری حسابرسی دقیق الهی، کارگزاران خویش را به پای بندی نسبت به اصول اخلاقی فرا می‌خواند. «امیرمؤمنان علی(ع) در آغاز عهدنامه‌ی مالک اشتر با یادآوری باورهای والای ایمانی، مالک اشتر را در کارگزاری راهنمایی می‌کند تا اخلاق اجتماعی کارگزاران بر مبنای اساسی در او جلوه نماید» (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۰۱). امام علی(ع) در این خصوص مالک اشتر را به ترس از خدا فرمان می‌دهد و اینکه اطاعت خدا را بر دیگر کارها مقدم دارد و از آنچه در کتاب خدا از واجبات و سنت‌ها آمده پیروی کند. دستورهایی که جز با پیروی از آن، رستگار نخواهد شد و جز با نشناختن و ضایع کردن آن، جنایتکار نخواهد گردید. به او فرمان می‌دهد که خدا را با دل و دست و زبان یاری کند (سید رضی، ۵۳). مطابق این عهد نامه چنین استنباط می‌شود که آن حضرت تا چه حد بر باورهای دینی حاکمان اهتمام و آنان را به رعایت دستورهای الهی فرا می‌خواند؛ چرا که کارگزاران اسلامی در سایه توجه به این احکام و دستورهاست که نفس خود را از آلودگی‌ها پاک می‌کنند و چون به عاقبت کار و پاسخ‌گویی در محضر حق تعالی اعتقاد دارند، هر لحظه عمل و کردار خود را با رضایت



او تطبیق می‌دهند تا دچار اشتباه و یا خارج شدن از مسیر اعتدال و میانه‌روی نشوند؛ بر این اساس آن حضرت، یادمرگ و مرگ اندیشی را در میان کارگزاران خویش زنده نگه می‌داشت تا بدین ترتیب از انجام گناه دوری کنند؛ زیرا یکی از موانع معصیت، یاد قیامت و ترس از عقوبت الهی است. ایشان با این یادآوری، آنان را به ضرورت یاد آخرت و پرهیز از آزار و اذیت مردم فرا می‌خواند؛ همچنان که در قسمتی از نامه ی خویش به حارث همدانی می‌فرماید: «نام خدا را بزرگ دار و جز به حقّ سخنی بر زبان نیاور. مرگ و جهان پس از مرگ را فراوان به یادآور؛ هرگز آرزوی مرگ مکن؛ جز آنکه بدانی از نجات یافتگانی. از کاری که تو را خشنود و عموم مسلمانان را ناخوشایند است پرهیز» (سید رضی/نامه ۶۹). «این قسمتی است از نامه‌ی طولانی امام علی(ع) به حارث همدانی است که دستورهایی را به او فرموده و از اموری نیز او را منع کرده است. محور سخن براساس تعلیم اخلاق پسندیده و آداب نیکو از جمله بزرگ شمردن نام خدا و مرگ اندیشی بسیار است؛ زیرا که یاد مرگ، بزرگترین پنددهنده و بازدارنده از دنیاپرستی است و او را نهی کرده از اینکه مرگ را آرزو کند؛ مگر با شرایط محکمی از جانب خود که به اطاعت و دوستی خدا اطمینان حاصل کند؛ زیرا بدون آن، آرزوی مرگ از نشانه‌های نادانی است» (بحرانی، ۱۳۶۲: ۲۲۲/۵)؛ از سوی دیگر پیشوای شیعیان علی(ع)، کارگزاران خویش را به اقامه نماز در اول وقت و تلاوت قرآن تشویق کرده و به آنان سفارش می‌نمود که مراقب حلال و حرام خدا باشید و اگر خواستید به گناه آلوده شوید به تاریخ رجوع کرده و سرنوشت خیانتکاران را مرور کنید. آن حضرت در این خصوص به یکی از کارگزاران خویش چنین می‌فرماید: «به ریسمان خدا چنگ زن و از آن نصیحت پذیر. حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار و حقی را که در زندگی گذشتگان بود تصدیق کن و از حوادث گذشته‌ی تاریخ برای آینده عبرت‌گیر که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و همه‌ی آن رفتنی است» (سیدرضی، نامه ۶۹)؛ باری در این فراز از سخنان امیرمؤمنان علی(ع) مقوله اعتدال و میانه‌روی کاملاً مشهود است. آن حضرت به عبرت‌آموزی و درس

گرفتن از گذشته و حوادث آن اشاره دارد. در نگاه حضرت علی(ع) پندگرفتن از عاقبت خیر و شر گذشته‌گان می‌تواند باعث ایجاد تعادل در زندگی و مشی کارگزاران شود تا آنان در موقعیت کاری و اجتماعی خود، دچار افراط و تفریط نشوند.

۳-۱-۲- ساده‌زیستی و پرهیز از رفاه زدگی

سلوک ساده‌زیستی نیز از لوازم حکومت مدبرانه است و پیشوای پارسایان علی(ع) چنین سلوکی را برای زمامداران خویش واجب و ضروری دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ»؛ خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیورد و به طغیان نکشاند» (همان: خطبه ۲۰۹). امام علی(ع) در این خطبه به کارگزاران خود در اهمیّت دادن و رعایت حقوق مردم به ویژه مردم ناتوان تأکید می‌نماید. هدف آن حضرت در اجرای این فرمان، عبارت از اجرای عدالت اجتماعی و فراهم کردن فرصت یکسان و برابر برای تمام مردم و بویژه افراد ناتوان است؛ زیرا در جامعه عدالت محور علی(ع) همه باید از نعمات و برکات خداوند متنعم و بهره‌مند شوند. فلسفه سلوک ساده‌زیستانه، آزادی از اشرافیّت به منظور خدمت‌رسانی هر چه بیشتر است. همراهی و همدردی با مردم ناتوان و درک ملموس زندگی آنان در جهت تحقق عدالت و رفاه برای ایشان و نیز بازداشتن توانگران از سرکشی و طغیان است. پیشوای موحدان عالم علی(ع) در این باره چنین رهنمود فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَنِي إِمَامًا لِحَلْقِهِ فَرَضَ عَلَيَّ التَّقْدِيرَ فِي نَفْسِي وَ مَطْعَمِي وَ مَشْرَبِي وَ مَلْبَسِي كَضَعْفَاءِ النَّاسِ كَيْ يَتَّقِدِيَ الْفَقِيرُ بِفَقْرِي وَ لَا يُطْفِعِيَ الْغَنِيَّ غِنَاهُ»؛ همانا خداوند مرا پیشوای خلقش قرار داده و بر من واجب کرده که درباره‌ی خودم و خوراک و نوشیدنی و پوشاکم مانند مردم ناتوان عمل کنم تا اینکه ناتوان به سیره فقیرانه من تأسی کند و توانگر به وسیله‌ی ثروتش سرکشی نکند» (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/ ۴۱۰). امیر مؤمنان (ع) این سلوک ساده‌زیستانه را پاس می‌داشت و با تمام توان در جهت برپایی عدالت و تأمین رفاه برای مردمان گام برمی‌داشت؛ چنان

که امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «كَانَ عَلِيٌّ (ع) أَشْبَهَ النَّاسِ طَعْمَةً وَ سَيْرَةً بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ كَانَ يَأْكُلُ الْخُبْزَ وَ الزَّيْتُ وَ يُطْعِمُ النَّاسَ الْخُبْزَ وَ اللَّحْمَ»؛ علی (ع) شبیه‌ترین مردمان به رسول خدا (ص) در کلام و روش زندگی بود. او خود، نان و روغن زیتون می‌خورد و به مردمان نان و گوشت می‌خوراند (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۱۶۵). امام علی (ع) همیشه هم کاسه فقیران و مستمندان می‌شد و از اینکه دعوت ثروتمندان را بپذیرد کراهت داشت؛ پس به کارگزاران خود نیز سفارش می‌کرد سر سفره‌ای که هیچ مسکینی ننشسته، حاضر نشوند و از خوردن لقمه شبهه‌ناک پرهیزند؛ چنان که به عثمان بن حنیف، فرماندار بصره که دعوت سرمایه‌داری از مردم بصره را پذیرفته بود، فرمود: «ای پسر حنیف به من گزارش دادند که مردی از سرمایه‌داران بصره تو را به مهمانی خویش فراخواند و تو به سرعت به سوی آن شتافتی. خوردنی‌های رنگارنگ برای تو آوردند و کاسه‌های پر از غذا پی در پی جلوی تو نهادند. گمان نمی‌کردم مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده‌اند. اندیشه کن در کجایی و بر سر کدام سفره می‌خوری؟» (سید رضی، نامه ۴۵).

۳-۱-۳- امانتداری

هر کس در هر جایگاه و مرتبه‌ی مدیریتی که باشد امانتدار مردم است و باید اموال و نوامیس و حیثیت و شرافت آنان را پاسداری کند. امام علی (ع) در این باره به مالک اشتر سفارش می‌کند که در باره شخصی که می‌خواهد جهت تصدی مسئولیت اجرایی کشور برگزیند بدین امر توجه و ضمن بررسی سوابق و عملکرد گذشته آنان، نسبت به امانتداری منتخبان حساسیت داشته باشد. امیرمؤمنان علی (ع) در اهمیت دادن به این امانتداری در ضمن نامه‌ای که به برخی از کارگزاران خود نوشته است چنین می‌فرماید: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت، خیانت به ملت است» (سید رضی، نامه ۲۶). از این رو امانتداری از چنان اهمیتی

برخوردار است که آن حضرت می‌فرماید: «رأس الاسلام الامانة»؛ رأس مسلمان، امانتداری است (آمدی، ۱۴۰۵: ۲۵۱). سایر ائمه‌ی اطهار(ع) و نیز بزرگان دین به عنصر امانتداری توصیه‌ی آکید کرده‌اند. مسئله‌ی امانتداری تا اندازه‌ای مهم است که خدای سبحان امانت الهی را به آسمان و زمین و کوه‌ها عرضه داشت؛ ولی هیچ‌یک نپذیرفتند و سرباز زدند؛ زیرا از کيفر الهی ترسیده از عواقب تحمل خیانت در امانت هراس کردند (الاحزاب/۷۲). قرآن کریم نیز به ضرورت رعایت امانت دستور داده است و چنین می‌فرماید: «خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت رفتار کنید» (النساء/۵۸).

۳-۱-۴- رعایت اخلاق اسلامی

امام علی (ع) در توصیه‌های اخلاقی خویش به تفکیک مسئولیت‌های کارگزاران، آنان را به اموری سفارش می‌کرد؛ از جمله اینکه به کارگزاران مالیاتی به‌طور مکرر سفارش می‌کرد که در همه کارهای خود، خدا را ناظر بر اعمالشان بدانند و امانت دار باشند و با مردم خوش رفتاری کنند. ایشان همچنین در نحوه برخورد کارگزاران با مردم بسیار حساس بوده و آنان را به دقت زیر نظر می‌گرفت؛ همچنان که به محمد بن ابی بکر فرماندار مصر فرمود: «با مردم فروتن باش، نرم خو و مهربان باش. گشاده‌رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره‌شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند...» (سید رضی، نامه ۲۷)؛ این در حالی است که خود آن حضرت از متواضع‌ترین افراد عصر خود بود و به هر کس که با مردم سروکار داشت توصیه می‌کرد که از غرور و تکبر در برابر مردم دوری گزیند؛ همچنان که می‌فرماید: «وَ إِذَا أَحَدٌ لَكَ مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ سُلْطَانِكَ أَبْهَةً أَوْ مَخِيلَةً فَانْظُرْ إِلَى عِظَمِ مُلْكِ اللَّهِ فَوْقَكَ وَ قُدْرَتِهِ مِنْكَ عَلَى مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ نَفْسِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُطَامِنُ إِلَيْكَ مِنْ طِمَاحِكَ وَ يَكْفُ عَنكَ مِنْ غَرْبِكَ وَ يَفِيءُ إِلَيْكَ بِمَا عَزَبَ عَنكَ مِنْ عَقْلِكَ»؛ اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبر یا خود بزرگ‌بینی شدی به بزرگی حکومت پروردگار که برتر از حکومت توست بنگر که تو را از آن سرکشی نجات

می‌دهد و تندروی تو را فرو می‌نشانند و عقل و اندیشه‌ات را به جایگاه اصل باز می‌گرداند (همان، نامه ۵۳). آن حضرت در عین حالی که کارگزاران خویش را به فروتنی و تواضع در برابر مردم دعوت می‌کند از آنان می‌خواهد که در مدیریت خود قاطع باشند و هر زمان که لازم دیدند با قاطعیت برخورد کنند. ایشان در ضمن نامه‌ای به مالک اشتر چنین فرمود: «وَأَرْفُقْ مَا كَانَ الرَّفْقُ أَرْفَقَ وَاعْتَزِمِ بِالشَّدَةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَةُ وَ اخْفِضِ لِلرَّعِيَةِ جَنَاحَكَ...»؛ در آنجا که مدارا کردن بهتر است، مدارا کن و در جایی که جز با درستی کار انجام نگیرد، درستی کن، پر و بالت را برابر رعیت بگستران... (همان، نامه ۴۶). تأکید بر رعایت اصل اعتدال و میانه‌روی در این نامه‌ی امام کاملاً روشن است؛ چراکه سفارش به مدارا در بعضی از امور و قاطعیت در انجام وظایفی که باید انجام شود همگی شاهد گویایی بر این مدعاست؛ از سوی دیگر امیر مؤمنان علی (ع) توجه به رازداری و پوشاندن عیوب مردم را از مهم‌ترین خصایص کارگزاران و لازمه‌ی مدیریت آنان برمی‌شمارد و به ایشان سفارش می‌کند که از افراد عیب‌جو دوری کنند و در مورد خبری که از صحت و سقم آن مطمئن نیستند، عکس‌العمل نشان ندهند و نیز از بروز کینه و حسد جلوگیری نمایند؛ چرا که تنها در آن صورت مردم می‌توانند به حاکم خود اطمینان کنند و مشکلاتشان را با او در میان گذارند. بر این اساس آن حضرت در نامه‌ی خویش به مالک اشتر چنین بیان می‌دارد: «از رعیت، آنان را که به دنبال عیوب دیگران بیشتر جستجو می‌کند از خود دور کن و دشمن مدار؛ زیرا مردم عیبی دارند که رهبر اُمت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است؛ پس مبادا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی و آنچه هویدا است بپوشانی که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد» (سیدرضی/نامه ۵۳). امیر مؤمنان علی (ع) در سفارش خویش در باب رعایت اخلاق اسلامی کارگزاران خود، وقتی از پوشاندن عیب مردم سخن به میان می‌آورد؛ بدین جهت است که دست گذاشتن بر عیوب مردم و انتشار آن در جامعه باعث بروز کدورت و اختلاف در میان آحاد مردم جامعه می‌شود که نوعی انحطاط رفتاری و افراط و تفریط‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

۳-۱-۵- مدیریت مصرف درآمدها و منابع مالی

در سیره‌ی امام علی (ع) بهره‌گیری از بیت‌المال مسلمانان بر پایه‌ی قانون از اهمّیت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از توصیه‌های مهم و کاربردی آن حضرت به کارگزارانش، بهره‌گیری معقول و قانونی از بیت‌المال است. امام علی (ع) بارها کارگزارانش را از خطرهای آفت‌های قانون شکنی در مورد بیت‌المال بر حذر داشته است. سیاست اقتصادی علی (ع) در مورد توزیع درآمد اقتصادی یکی از اصولی‌ترین سیاست‌های اقتصادی است که برای کارگزاران در همه دوره‌ها کاربرد دارد. حضرت علی (ع) در مورد استفاده‌ی غیر قانونی خلیفه‌ی سوم و نزدیکان او از بیت‌المال می‌فرماید: «و خویشان پدری او از بنی‌امیه به پا خواستند و همراه او بیت‌المال را خوردند و بر باد دادند چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد» (سید رضی/خطبه ۳). امیرمؤمنان علی (ع) در مورد ضرورت رعایت قانون در بهره‌گیری از توزیع درآمدهای اقتصادی همواره به مالک اشتر توصیه می‌فرمود که خود و نزدیکان او در استفاده از اموال عمومی حریم قانون را حفظ کنند: «بپرهیز از اینکه چیزی را به خود اختصاص دادی که بهره همه مردم در آن یکسان است» (سید رضی، نامه ۵۳). ایشان همچنین می‌فرماید: «والی، نزدیکان و خویشاوندانی دارد که خوی برتری‌جویی دارند و گردن فرازی... ریشه‌ی ستم اینان را با بریدن اسباب آن درآور و به هیچ یک از اطرافیان و خویشاوندانت زمینی را به بخشش وانگذار» (معادینخواه، ۱۳۷۳: ۴/۴۴۴).

آنچه که در سفارش‌ها و فرمایش‌های امام اول شیعیان در خصوص قانون‌مداری در حفظ و حراست از تقسیم بیت‌المال می‌خوانیم، همگی بر لزوم رعایت قانون و اعتدال و میانه‌روی توسط مردم و کارگزاران دلالت می‌کند؛ نیز امام علی (ع) در خصوص اموال و دارایی‌های کارگزاران به شدت دقت می‌کرد تا اگر کسی به‌طور غیرمنتظره صاحب ثروت یا خانه و زمینی می‌شد به سرعت از منبع درآمد او استخبار می‌نمود و یا اگر کارگزاری به ناحق از بیت‌المال سهم افزون‌تری برای خود می‌گرفت با برخورد تند آن حضرت مواجه می‌شد از این رو زیاده‌خواهان از آن حضرت جدا شده و به معاویه پیوستند؛ همانند یزید بن حجیه فرماندار

مصر (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق: ۸۴/۴) که پس از خیانت در بیت‌المال به سوی معاویه گریخت. حضرت علی (ع) نهایت توجه خود در خصوص بیت‌المال و توزیع درآمد و بهره‌گیری صحیح از آن را به کار گرفته تا آنجا که به کارگزارانش دستور می‌دهد که حتی از اتلاف کاغذ و وقت، پرگویی و نوشتن مطالب غیر لازم در نامه‌های اداری اجتناب نمایند» (حجازی، ۱۳۶۳: ۲۳۱). از مطالبی که گفته شده درمی‌یابیم که سیره‌ی حکومت علوی روشن‌ترین تجلی حکومت انسانی و مساوات اسلامی است. از این‌رو بخشش‌های ناروای بیت‌المال و نیز تقسیم غیر عادلانه آن در حکومت علوی به ویژه مولای متقیان علی (ع) مردود و مطرود است؛ البته این امر به صورت یک فرهنگ و نیز سیره روشن و پایدار در حکومت آن حضرت نمود و بروز پیدا کرده بود؛ بنابراین در این خصوص ایشان هیچ‌گاه دچار شعارزدگی و عوام‌فریبی نشد. در همین راستا مولای متقیان علی (ع) در اندیشه‌ی اقتصادی خویش نیز توجه به اصل عدالت و تکیه و اعتماد مردم به کارگزاران و زمامداران عادل را مد نظر داشت و این صفت را از صفات اصلی هر حاکمی می‌دانست؛ همچنان که در طی خطبه‌ای می‌فرماید: «بدان که برترین بندگان خدا در پیشگاه او رهبر عادل است که خود هدایت شده و دیگران را هدایت می‌کند، سنت شناخته شده را برپا دارد و بدعت ناشناخته را بمیراند. سنت‌ها روشن و نشانه‌های آشکار است. بدعت‌ها آشکار و نشانه‌های آن برپاست و بدترین مردم نزد خدا، رهبر ستمگری است که خود گمراه و مایه گمراهی دیگران است» (سید رضی/خطبه ۱۶۴). در این خطبه محور توصیه‌های آن حضرت بر محور عدالت است و عواقب دوری از این اصل را متذکر می‌شود که خشم خداوند متعال را به دنبال دارد. امام علی (ع) با اجرای سیاست اقتصادی خویش و مساوات که بر مبنای عدالت اجتماعی و در راستای گسترش اعتدال و میانه‌روی در جامعه بود، راه را برای رسیدن به اصلاحات واقعی اقتصادی هموار نمودند. در این میان اولین ثمره‌ی اقدام ایشان بدین گونه بود که تبعیض‌های ناروا زدوده شد و همگان در برابر این حقیقت سر تعظیم فرود آورند که کسی را بر کسی، عرب را بر عجم، مهاجر را

بر انصار و... امتیازی نیست. امتیاز واقعی تنها بر محور معنویت است که آن هم در جهان دیگر قابل مشاهده است و موجب امتیاز و برتری مادی و برخورداری بیشتر از خزانه عمومی نخواهد بود و همگان در برابر قانون همچون دندان‌های شانه یکسان هستند. در نگاه مولای متقیان علی (ع) پیدایش فقر و محرومیت در جامعه روی آوردن کارپردازان حکومتی به اندوختن ثروت و افزودن بر حجم دارایی خویش است. «وَ إِنَّمَا يُعَوِّزُ أَهْلَهَا لِإِشْرَافِ أَنْفُسِ الْوَلَاةِ عَلَى الْجُمُعِ» (سید رضی، نامه ۵۳). در این سخن که فرازی از عهدنامه مالک اشتر است آن حضرت تأکید می‌کند که مردم شهرها هنگامی تهیدست می‌شوند که مدیران جامعه به گردآوری ثروت روی آورند؛ یعنی همان عامل شومی که گریبانگیر دستگاه خلافت در عصر خلیفه سوم شده بود، بدین جهت بود که آن حضرت که مداوم در گزینش کارگزاران دقت بسیار می‌کرد؛ چون می‌دانست که کارگزاران به دلیل داشتن قدرت و آگاهی از منابع مالی به راحتی می‌توانند بر ثروت خویش بیفزایند و این حرکت آنان یعنی از بین بردن فرصت اکثر مردم از شرایط اقتصادی خوب و رقابت سالم که در نهایت باعث محروم شدن قشر عظیم جامعه از منابع اقتصادی جامعه خواهد بود؛ پس امام علی (ع) برای فقرزدایی و عدالت اقتصادی در جامعه در رسیدگی به محرومیت مردم در کنار اقدام‌هایی که قبلاً انجام داده بود، خود را موظف می‌دید که بر کار دستگاه خلافت و نیز اطرافیان خویش نظارت کامل داشته باشد و نگذارد سرمایه سالاری، دوباره آفت جان خلافت گردد.

۳-۲- اجرای نقشه جامع سیاست‌های اقتصادی حکومت

امام علی (ع) علاوه بر آنکه در حوزه اقتصاد اسلامی به فرهنگ سازی و تبیین الگوی جامع اخلاق کارگزاران اقتصادی در حکومت خویش می‌پردازد تا از رهگذر آن، فضا و بسترهای لازم برای تحقق بخشیدن به شعارها و استراتژی‌های اقتصادی ایشان مهیا شود؛ از سوی دیگر به جنبه‌های عملیاتی و اجرایی سیاست‌ها و دیدگاه‌های اقتصادی خویش در راستای اداره جامعه پرداخته که از آن می‌توان به عنوان نقشه جامع سیاست‌های اقتصادی

حکومت علوی یا به اصطلاح امروزی، بسته های سیاست اقتصاد حکومت علوی یاد کرد که بخش سخت افزاری چشم انداز اقتصادی حکومت آن حضرت را شامل می شود؛ از این رو چنین می توان گفت که ابتدا باید محورهای اساسی اقتصاد سالم در جامعه نهادینه شود تا به تبع آن عدالت اجتماعی معنا و مفهوم پیدا کند؛ چرا که در دنیای امروز، انسان ها در وهله اول برای ایجاد پیوند اجتماعی در پی تحکیم روابط اقتصادی خود می باشند تا در سایه آن به خواسته های بعدی دست پیدا کنند؛ بدین جهت امیرمؤمنان علی (ع) با درک و شناخت نیازهای انسان و با تکیه و تأکید بر اصل محوری اعتدال و میانه روی سیاست ها و راهبردهایی را در زمینه مسائل اقتصادی بیان می کند که ذیلاً اهم موارد آن مورد بررسی قرار می گیرد.

۳-۲-۱- رعایت مساوات و رفع تبعیض

تقسیم عادلانه ی بیت المال توسط امام علی (ع)، حرکتی انقلابی بود که در آن محور اساسی بر پایه ی عدالت و برابری همی افراد در حقوق اجتماعی و اقتصادی جامعه بنا شده بود و چون همه افراد در یک نگاه در برطرف کردن نیازهای اقتصادی خود یکسان و جدا از رنگ و نژاد و قبیله در نظر گرفته شده بودند، مورد رضایت زیاده خواهان که از بیت المال مطالبه زیادتری می خواستند، قرار نگرفت. آن حضرت در فرصت های اقتصادی نسبت به مردم زمان، یکسان عمل می کرد تا همه در رتق و فتق امور اقتصادی و معیشتی خویش از قدرت مالی و امکانات رفاهی عادلانه ای برخوردار باشند. امام علی (ع) پس از بیعت مردم با ایشان، با اعلام سیاست مساوات و رفع تبعیض، استرداد اموال نامشروع را به خزانه عمومی اعلام نمود. آن حضرت خود می دانست که این اقدام برای حکومت وی خطرناک است ولی با قاطعیت این سیاست را اجرا نمود: «عمر و عثمان اموال فراوانی داشتند و زمین های بیت المال را به اقوام و خویشاوندان خود بخشیده بودند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۳۶۳/۱)؛ پس علی (ع) در روز دوم خلافت فرمود: «بدانید بخششی که عثمان از بیت المال داشته به خزانه ی عمومی مسترد خواهد شد» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق: ۲۶۹/۱). آنگاه امام (ع) سخن خود را چنین ادامه می دهد:

«به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هر کجا بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم گرچه با آن ازدواج کرده یا کنیزانی خریده باشند...» (سیدرضی/خطبه ۱۵). امام علی (ع) در این فرمایش خویش توجّه افراد جامعه را به اهمّیت بیت‌المال و حقّ و حقوق آن که شامل تمام افراد جامعه است جلب می‌کند و هدف از بازگرداندن اموال بیت‌المال را که در اثر سهل‌انگاری و خویشاوند سالاری خلفای پیشین به تاراج رفته و به دست عده‌ای خاص و ثروتمند و خویشاوندان آنان افتاده بود عبارت از: رعایت عدالت اجتماعی و استفاده همه‌ی مسلمانان از مزایای آن می‌داند نه برای عده‌ای خاص که به حکومت، نزدیکتر هستند.

۳-۲-۲- جمع‌آوری و تقسیم بیت‌المال

در نظام استبدادی چنین است که کارگزاران با زور و فشار از مردم مالیات می‌گیرند و مالیات‌های سنگینی بر مردم تحمیل می‌کنند و بیشتر این زورگویی بر مردم مستمند و طبقه‌ی متوسط مردم می‌رود. در نظام اسلامی کارگزار جرئت کوچکترین زورگویی به مردم را در هنگام گرفتن مالیات ندارد. امیرمؤمنان علی (ع) در ضمن دستورالعمل‌هایی به کارگزاران اقتصادی، به آنان سفارش می‌فرمود که باخوش اخلاقی و پرهیز از هرگونه تندخویی به جمع‌آوری مالیات بپردازند و همواره خدا را به یاد داشته باشند؛ همچنان که در ضمن نامه‌ای به یکی از مأموران اقتصادی و مالیاتی، منخف بن سلیم، فرماندار اصفهان چنین سفارش می‌کند: «سفارش می‌کنم با مردم تندخو نباش و به آنها دروغ نگوئی و با مردم به جهت اینکه بر آنها حکومت دارد بی‌اعتنایی نکنی چه اینکه مردم برادران دینی و یاری دهندگان در استخراج حقوق الهی هستند. بدان که برای تو در این زکات که جمع می‌کنی سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری...» (سید رضی، نامه ۲۶). آن حضرت در سفارش خویش به کارگزاران بخصوص در جمع‌آوری مالیات و زکات در جامعه‌ی اسلامی به نکاتی اشاره دارد که زیربنای ارزش‌های اخلاقی و اقتصادی است. بر این اساس به حاکمان توصیه می‌کند

که چون با مال مردم سروکار دارند مبدا از محور عدالت و میانه‌روی خارج شوند و چشم به مال آنان داشته باشند؛ از سوی دیگر آن حضرت در مسئله‌ی بیت‌المال نیز بسیار سخت‌گیر بود و به شدت به اعمال کارگزاران رسیدگی می‌کرد و در صورتی که خیانتی از آنان می‌دید آنها را از مسئله آگاه ساخته، خشم و ناراحتی خود را ابراز می‌نمود و به آنها چنین گوشزد می‌کرد که تقسیم بیت‌المال به دست حاکم است و او در این مورد تفاوتی بین مردم قائل نیست؛ از جمله اینکه به مصقله بن هبیره شیبانی، فرماندار اردشیر حرّه چنین می‌نویسد: «خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هایشان گرد آورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند، می‌بخشی... اگر این گزارش درست باشد در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است...» (سید رضی/نامه ۴۳)؛ از سوی دیگر یکی از اقدامات اساسی و انقلابی امام علی (ع) تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال است. فردای روز بیعت، ایشان برفراز منبر چنین فرمود: «مسلمانان! بدانید که امتیاز معنوی نزد خداست و مسلمانان از نظر مادی تفاوتی ندارند. همگی بندگان خداوند. دارایی‌ها از آن خداست و میان شما به صورت مساوی تقسیم خواهد شد...» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق: ۴۰/۱-۳۶). مولای متقیان علی (ع) پس از رسیدن به خلافت به هر مسلمان در هر رشته و رده و نژادی که بود سه درهم داد. «سهل بن حنیف غلام سیاه پوستی را به محضر آن حضرت آورد و گفت: به این غلام چقدر می‌دهی؟ امام فرمود: تو خود چه اندازه گرفتی؟ گفت: سه دینار. امام علی (ع) فرمود: به این غلام نیز سه دینار بدهید» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۰۷/۴۰). «به همین علت بود که سران عرب کم کم لب به اعتراض گشودند و در میان آنان طلحه و زبیر، عبدالله بن عمر و سعید بن عاص تا آنجا پیش رفتند که بیعت خود را شکسته و به عنوان خون‌خواهی عثمان با امام علی (ع) اعلام جنگ کردند» (ناظم زاده قمی، ۱۳۷۴: ۱۰۱).

۳-۲-۳- فقرزدایی از جامعه

مولای متقیان علی (ع) می‌دانست که یکی از آسیب‌های جامعه‌ی اسلامی، مسئله فقر و نیاز

است که ناهنجارهایی به وجود آورده و مردم را سخت آزرده است؛ بدین منظور آن حضرت فرهنگ انفاق و کمک‌های مالی به فقرا را ترویج می نمود. از ثروتمندان درخواست کرد فقیران را شریک مال خود قرار داده و حق آنان را ضایع نکنند. امیرمؤمنان علی (ع) می فرمود: «خداوند بر ثروتمندان واجب کرده تا از اموالشان به اندازه‌ی کفایت فقیران هزینه کنند؛ بنابراین اگر فقیران گرسنه ماندند یا پوشاک نداشتند به سبب منع ثروتمندان است و خداوند از آنان حساب می کشد و مجازاتشان می کند» (ری شهری، ۱۴۲۵: ۲۰۴/۴)؛ از سوی دیگر آن حضرت، مسئولان حکومتی را موظف نمود که به حمایت از محرومان بپردازند. ایشان خطاب به مالک اشتر فرمود: «خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند از زمین گیران و نیازمندان و گرفتاران و دردمندان. همانا در این طبقه‌ی محروم گروهی خویشتن‌داری کرده و گروهی به گدایی دست نیاز برمی دارند... بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی اسلام را به طبقات پایین اختصاص بده...» (سید رضی، نامه ۵۳). به گفته‌ی برخی از محققان، امام علی (ع) برنامه‌ی فقرزدایی را براساس آمار و به دست مأموران بصیر و دانا انجام می داد (ری شهری، ۱۴۲۵: ۲۰۴/۴)؛ همچنین آورده اند که آن حضرت، خود را پدر یتیمان معرفی می کرد و همچون پدر با آنها رفتار می نمود» (کلینی، ۱۳۶۵: ۴۰۶/۱). توجّه آن حضرت فقط به بینوایان و از کارافتادگان مسلمان نبود؛ بلکه اقلیت‌های دینی همچون نصرانیان نیز از عطف و حمایت امام علی برخوردار بودند. «روزی آن حضرت پیر مرد نابینایی را دید که گدایی می کرد. از حاضران پرسید: او کیست؟ گفتند: مرد نصرانی است. آن حضرت فرمود: او را به کار گرفته‌اید تا اینکه پیر و ناتوان شده و آنگاه رهایش نموده‌اید. پس دستور داد از بیت‌المال به او کمک کنند» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳۹۸/۲). سیاست فقرزدایی یکی از حرکت‌های مهم و جاودان و نقطه‌ی روشن حکومت عدالت محور امام اول شیعیان است. آن حضرت با بینش فقرزدایی و اعلام مواضع اسلام در این خصوص، بسترهای ایجاد اعتدال و میان‌روی در زندگی اقتصادی مردم را بنا می کرد. این روش و استراتژی امام علی (ع)، در قالب‌های مختلفی همانند: نظارت بر خویشاوندان، مدیران و نیز نظارت بر بازار و

بازرگانی صورت می‌گرفت که در راستای تحقق عدالت اقتصادی بسیار تأثیرگذار بود. روزی امیرمؤمنان علی(ع) یکی از فرمانداران خویش را که به بیت‌المال خیانت کرده بود تهدید نمود و خطاب به وی فرمود: «...سوگند به خدا، اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آنکه حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده نابود سازم» (سید رضی، نامه ۴۱). از این رو امام علی(ع) به مدیران حکومتی خود نیز دستور می‌داد تا از هرگونه رانت خواری و سوء استفاده از بیت‌المال بپرهیزند. آن حضرت در ضمن نامه‌ای به یکی از فرمانداران خویش به نام مصقله بن هبیره شیبانی چنین فرمود: «گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای، خبر رسیده که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هاشان گرد آورده و باریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده‌به‌اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند، می‌بخشی... آگاه باش حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند در تقسیم بیت‌المال مساوی است. همه باید نزد من آیند و سهم خود را از من گیرند» (سید رضی، نامه ۴۳)؛ این در حالی است که در خصوص مراقبت و نظارت جدی آن حضرت بر فعالیت های اقتصادی مردم نوشته اند که ایشان در جهت شکل‌گیری عدالت، شخصاً اوضاع بازار اقتصادی را زیر نظر داشت و در مناطق دیگر نیز افرادی را برای نظارت و کنترل بر بازار گمارده بود (رشاد، ۱۳۸۰: ۳۳۳/۷-۳۳۲) و در منابع دیگر نیز چنین نقل کرده اند که: «امام علی(ع) بامداد هر روز از منزل خارج شده و به طرف بازار کوفه می‌رفت و در حالی که تازیانه‌ای بر دوش آویخته بود نزد سوداگران می‌ایستاد و ندا می‌داد: ای گروه تجار! از خدا بترسید» (حرانی، ۱۴۰۴: ۲۱۶). در راستای فقرزدایی، برخی از اقدامات آن حضرت را می‌توان در مواردی از قبیل: احداث قنات‌ها، آزادگی بردگان، اهتمام به رعایت حقوق مردم، رعایت حقوق اقشار ضعیف جامعه، انفاق، احسان و نیکو کاری، درختکاری و کشاورزی، سفارش در مورد یتیمان جستجو نمود.

۳-۲-۴- ایجاد اشتغال و تولید

در کنار فعالیت‌های ذکر شده، امام علی (ع) زمینه‌ها و عوامل کار و تولید را نیز فراهم می‌نمود؛ چرا که اجرای سیاست‌های اقتصادی، مستلزم جامعه‌ای درآمدزا و برخوردار از سرمایه‌هاست؛ بدین منظور آن حضرت، دیگران را به کار و افزایش تولید، تشویق می‌نمود و خود نیز شخصاً به کار و تولید می‌پرداخت. ایشان در این باره می‌فرماید: «ما فی الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الزَّرَاعَةِ»؛ کاری در نظر خدا محبوب‌تر از کشاورزی نیست (نوری، ۱۴۰۸: ۱۳/۴۹۱). آن حضرت، موقوفات متعددی داشت که در کتب حدیثی بیان شده است. طبق نقل مورخان، درآمد سالانه این موقوفات بالغ بر چهل هزار دینار بوده که تماماً صرف بینوایان می‌شد (ابن مغزلی، ۱۴۲۴: ۳۲۳/۱۴). مولای متقیان علی (ع) نیک می‌دانست که جامعه‌ای پویا و قوی به وجود نمی‌آید؛ مگر آنکه پایه‌های اقتصادی قوی‌ای داشته باشد؛ پس در دوره حکومت خویش، مردم را به کار و تولید، و نیز گسترش فعالیت‌های سالم اقتصادی تشویق می‌کرد. ایشان در ضمن بیاناتی صراحتاً از اهمیت کار و فعالیت و نیز ضرورت خدمت‌رسانی به مردم سخن به میان می‌آورد و چنین می‌فرماید: «سوگند به خدا اگر تمام شب را بر روی خارهای سعدان به سر ببرم و یا با غل و زنجیر به این سو و آن سو کشیده شوم خوش‌تر دارم تا خدا و پیامبرش را در روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال عمومی را غصب کرده باشم» (سید رضی، خطبه ۲۲۴). در این خصوص می‌توان به نهضت خدمت‌رسانی آن حضرت اشاره کرد. علی (ع) تنها در حرف و گفتار به مسئله خدمت‌رسانی اکتفاء نمی‌کرد؛ بلکه فراتر و بالاتر از آن در مرحله‌ی فعل و عمل بسیار بدان پای بند و عامل بود. یکی از مشاغل مولای متقیان علی (ع) در عصر رسالت، و پس از آن، کشاورزی و درختکاری بود که بسیاری از خدمات و انفاق‌های خود را از این طریق انجام می‌داد و املاک زیادی را وقف می‌کرد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَضْرِبُ بِالْمَرْءِ وَيَسْتَخْرِجُ الْأَرْضِينَ»؛ امیرمؤمنان بیل می‌زد و نعمت‌های نهفته در زمین را استخراج می‌کرد» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۵/۴۷۴).

۳-۲-۵- توزیع عادلانه درآمد اقتصادی

روش زمامداری در اسلام و روابط حکومت با جامعه براساس مساوات و عدالت و نیز احترام به حقوق همگان و توجه به آحاد مردم ترسیم شده است. حاکم جامعه در اسلام، فردی است که مسئولیتش از افراد دیگر بیشتر و وظایفش از همگان خطیرتر است؛ چنین حاکمی مانند برادری مهربان و خادمی دلسوز و امین، انجام وظیفه می‌نماید. او نباید خود و اطرافیانش را بر دیگران ترجیح دهد و برای خود و آنان تجملات فراهم سازد و از مردم فاصله بگیرد و بیش از حق خویش از بیت‌المال بردارد. حکومت در اجتماع اسلامی باید درخشان‌ترین مظهر عدالت اسلامی و اقتصادی باشد و در تقسیم بیت‌المال بین افراد ملت، هیچ‌گونه تبعیض روا ندارد. حکومت امام علی (ع) نشان‌دهنده تمام اصول و حاکمیت اسلامی و نیز روشن‌ترین تجلی حکومت انسانی و معرف حقیقی روح عدالت و مساوات در اسلام است و بدین جهت است که آن حضرت در طول حکومت خویش برای تقسیم بیت‌المال و توزیع عادلانه درآمد اقتصادی اصول را منطبق بر اصل اعتدال و میانه‌روی و برگرفته از آیات الهی قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص) تبیین و ترسیم فرمود و کارگزاران خود را ملزم به رعایت آن می‌نمود. در سیره مولای متقیان علی (ع) بهره‌گیری از بیت‌المال و حفظ و حراست از آن براساس قانون از اهمیّت ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مواردی که آن حضرت بر آن اصرار و پافشاری می‌ورزید، جلوگیری از بخشش‌های ناروای بیت‌المال و تقسیم مساوی آن بین مسلمانان، اعم از عرب و عجم و... بود. چیزی که بسیاری از اصحاب از آن روی گردان بوده، تاب و تحمل پذیرش آن را نداشتند. این عده به همین دلیل یکی بعد از دیگری به آن حضرت اعتراض نموده و پس از مدتی کناره‌گیری، علم مخالفت و دشمنی برافراشتند. از زمان خلیفه‌ی دوم، بیت‌المال براساس سوابق و درجات اصحاب تقسیم می‌شد. در زمان خلیفه‌ی سوم نیز همین سیاست با تساهل افزون‌تری ادامه یافت؛ بلکه حاتم‌بخشی‌های بی‌حساب و کتابی از سوی خلیفه‌ی سوم صورت می‌گرفت؛ از این‌رو ذائقه‌ی بسیاری از اصحاب به اخاذی ناروا از بیت‌المال عادت کرده بود و مسئله تساهل در

استفاده غیر عادلانه از بیت‌المال رواج یافت. امام علی (ع) برای تمام کارگزارانش، این بخشنامه را صادر فرمود: «لَا تَسْخَرُوا الْمُسْلِمِينَ وَ مَنْ سَأَلَكُمْ غَيْرَ الْفَرِيضَةِ فَقَدْ أُعْتَدِيَ فَلَا تَعْطُوهُ»؛ مسلمانان را به بیگاری نکشید و هر که بیش از حق خود خواست به او ندهید؛ زیرا قصد تجاوز از حد خود را دارد» (محمودی، ۱۳۷۶: ۴/۲۷). تقسیم مساوی بیت‌المال، موجب نارضایتی و اعتراض بسیاری از بیعت‌کنندگان و دوستان دور و نزدیک آن حضرت شد؛ به طوری که افرادی مثل طلحه، زبیر (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ق: ۳۶۷) و حتی برخی از نزدیکان امام چون عقیل (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴) و خواهرش ام‌هانی (جعفریان، ۱۳۸۴: ۷۰) بدان اعتراض کردند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «یکی از دوستان مولای متقیان علی (ع) از ایشان مالی درخواست نمود آن حضرت فرمود: «وقتی که حقوق من رسید از آن به تومی دهم اما آن شخص به آن مقدار قانع نشد و به معاویه پیوست» (کلینی، ۱۳۶۵: ۸/۷۲). مولای متقیان علی (ع) نیک می‌دانست که اگر در حفظ و حراست از بیت‌المال و توزیع عادلانه‌ی درآمد جامعه قاطعیت نداشته باشد، هواهای نفسانی و حرص و طمع برخی از اصحاب و یاران پیامبر اکرم که متأسفانه در زمان حکومت خلفای پیشین به دلیل انحراف از اصل اعتدال و میانه‌روی و افراط و تفریط به ثروت و مقام نامشروع رسیده بودند، مانع از آن خواهد شد که حق و حقوق مردم به‌طور عادلانه به آنان برسد.

۳-۲-۶- پرهیز از اسراف و تبذیر (رعایت الگوی مصرف)

از جمله آسیب‌های جدی در حوزه اقتصادی مسئله اسراف است. اسراف یکی از پدیده‌هایی است که به دلیل عدم رعایت الگوی مصرف و عدم رعایت اصل اعتدال و میانه‌روی در امور اقتصادی و معیشتی خانواده‌ها به وجود می‌آید. امام علی (ع) در سیاست‌های اقتصادی خویش به این موضوع توجه خاصی داشته و مجموعه برنامه‌های اجرائی ایشان، همگی در راستای ارائه الگوی صحیح مصرف و نیز از بین بردن اسراف بوده است. در این خصوص آن حضرت در ضمن نامه‌ای به زیاد بن ابیه جانشین عبدالله بن عباس چنین نوشت: «از اسراف پرهیز و میانه‌روی را برگزین؛ از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگاه‌دار و زیادی را برای روز نیازمندی در آخرت پیش فرست» (سید رضی،

نامه ۲۱). امیرمؤمنان علی(ع) در ضمن این نامه «زیاد بن ابیه» را بر ترک اسراف امر می‌کند - که به معنای زیاده‌روی و نقطه‌ی مقابل تفریط است - که آن نیز از کارهای ناپسند می‌باشد و لازمه‌ی این دستور امر به اقتصاد و میانه‌روی در امور می‌باشد که از فضایل و کارهای پسندیده است» (بحرانی، ۱۳۶۲: ۴/۴۰۰). ایشان در جای دیگر شریح بن حارث را که در دوران خلافت آن حضرت، خانه هشتاد دیناری خریده بود طی نامه‌ای به شدت از اسراف نهی فرموده است (سید رضی، نامه ۳). امروزه اسراف و تبذیر به صورت عرف و عادت و گاه یک ارزش درآمده است. از این رو تغییر زیرساخت‌های عرفی، اخلاقی و فرهنگی جامعه یکی از مهم‌ترین عوامل برای نابودکردن اسراف به شمار می‌آید که آن هم در گرو درک صحیح این مشکل است؛ البته با درک صحیح از سیاست‌های اقتصادی امیرمؤمنان علی(ع) در طول حکومت عدالت محور ایشان و توصیه‌های آن حضرت در امر پرهیز از اسراف و تبذیر به کارگزاران و تأکید بر اندازه نگه داشتن معیشت توسط مردم، می‌توان به این نکته‌ی مهم توجه کرد که رعایت الگوی مصرف نه تنها در آن عصر؛ بلکه در تمام عصرها به عنوان اصل راهگشای اقتصادی، جلوه عینی و عملی دارد. امروزه نیز یکی از عوامل اسراف و تبذیر را می‌توان دوری مردم از اصول مهم اعتدال و میانه‌روی جستجو کرد. امام علی(ع) در جای دیگر در خصوص اسراف و تبذیر می‌فرماید: «اسراف گر سه نشانه دارد: آنچه می‌خورد در خور وی نیست؛ لباسی پوشد که شایسته‌ی او نیست و کالایی می‌خرد که زینده‌ی او نیست» (صدوق، ۱۴۰۳: ۱/۴۷). در این روایت، امام علی(ع) بر رعایت اعتدال و میانه‌روی تأکید می‌ورزد؛ زیرا اسراف گر را از این نشانه‌های سالم دور می‌بیند. مولای متقیان علی(ع) شیوه‌ی حکومتش برای همه حاکمان مسلمان سند و سرمشق است. ایشان در مورد اسراف می‌فرماید: «خداوند بر رهبران عدالت واجب نموده است که خود را با ضعیفان مردم همسان سازند. برای آنکه فقر و تهی‌دستی بر فقیران دشوار نیاید و سر به عصیان برندارند» (سید رضی، خطبه ۲۰۹). تأکید امام علی(ع) بر این موضوع بدان جهت ارزش دارد که وقتی حاکم خود را با ضعیف‌ترین

مردم همسان می‌کند، قوت قلبی برای ضعیفان است تا به واسطه فقر، زمینه‌ساز انحرافات اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی آنان نشود. جالب است که بدانیم امام (ع) این سخن را در پاسخ به کسی فرمود که زندگی ساده و فقیرانه آن حضرت را الگو و ملاک قرار داده بود و چنین ادعا نمود که من نیز می‌خواهم چنین باشم و آن حضرت در مقام پاسخ‌گویی به وی یادآور شد که این امر برای همگان میسر و حتی لازم نیست و همین که دیگران از اسرافکاری بپرهیزند، می‌توانند از عنصر رفاه در معیشت برخوردار باشند؛ در واقع می‌توان گفت که زمامداران مانند طبقات پایین جامعه باید زندگی کنند تا مشکلات آنان را درک و لمس کنند. با توجه به مطالب فوق چنین می‌توان نتیجه گرفت که تأکید امیرمؤمنان علی (ع) به پرهیز از اسراف و تبذیر بدین جهت است که در جامعه فضایی ایجاد شود تا همگان از نعمت‌های الهی به‌طور یکسان بهره‌مند شوند و در عین حال این نعمت الهی بیهوده به هدر نرود و از آثار و پیامدهای ناگوار آن، که به زوال نعمت و کم‌شدن برکت، فقر و نابودی امکانات و منابع اقتصادی و... منجر می‌شود، جلوگیری کرد تا در سایه ی پرهیز از اسراف و رعایت اعتدال و میانه‌روی در زندگی به رشد و تعالی جامعه کمک شود.

۳-۲-۷- تقویت نظام نظارتی و مراقبت از فعالیت‌های اقتصادی نزدیکان

امام علی (ع) هر چند خود زندگی ساده‌ای را برگزیده بود ولی این به تنهایی کافی نبود؛ زیرا که امام (ع) و حاکم جامعه، خواه ناخواه وابستگان و خویشاوندانی دارد که زیر نظر نگرفتن آنها ممکن است عواقب جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد؛ از این رو لازم بود اصلاحات اقتصادی امام به صورت همه‌جانبه و هماهنگ ارائه گردد؛ در همین راستا زمانی که یکی از کارگزاران آن حضرت که از خویشاوندان ایشان هم بود نسبت به اموال عمومی خیانت نمود امام او را مکلف به بازگرداندن اموال به صاحبان اصلی آنها نمود و وی را تهدید کرد و فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ أَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ فَعَلَا مِثْلَ الَّذِي فَعَلْتَ مَا كَانَتْ لَهُمَا عِنْدِي هَوَادَةٌ وَلَا ظَفِرًا مِثِّي بِإِزَادَةِ»؛ به خدا سوگند اگر حسن و حسین هم دست به چنین خیانتی می‌زدند هرگز هواخواهی و پشتیبانی نسبت به آنها از طرف من انجام نمی‌گرفت

و ذره‌ای در تصمیم‌گیری من تأثیری نمی‌داشت» (سیدرضی، نامه ۴۱). امام علی (ع) در راستای گسترش عدالت اجتماعی و نهادینه کردن اعتدال و میانه‌روی در جامعه علاوه بر نظارت و ارشاد در سطوح جامعه از مهم‌ترین نقطه‌ی اجتماعی یعنی خانواده‌ی خویش غافل نبود و در این روایت تأکید بر این موضوع است؛ به همین جهت یکی دیگر از شیوه‌های کاربردی امام علی (ع) در تحقق اصل عدالت جلوگیری از ثروت اندوزی‌های نامشروع بود؛ بدین منظور آن حضرت در قدم اول مردم را از دنیاگرایی برحذر داشته و آنان را به معنویت‌گرایی فرا می‌خواند. متأسفانه پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) برخی از مردم و صاحبان قدرت به ثروت‌اندوزی روی آوردند. بنا به نقل مورخان «روزی که عثمان کشته شد، صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم پول نقد داشت. قیمت املاکش در وادی القری و حنین و... بالغ بر صد هزار دینار می‌شد و اسب‌ها و شترهای فراوانی از او باقی مانده بود» (مطهری، ۱۳۶۲: ۲۵۹). امام علی (ع) به منظور جلوگیری از این آفت خطرناک در نامه‌ای به مالک اشتر تأکید می‌کند که مردم را از ثروت‌اندوزی و دنیاگرایی برحذر دارد (سید رضی، نامه ۵۳)؛ «همچنین ایشان بر نامه‌های اقتصادی نظام یافته‌ای را ارائه داد تا از پیدایش ثروت‌های نامشروع جلوگیری شود. این برنامه‌ها در قالب مبارزه با رباخواری و احتکار صورت گرفت» (رشاد، ۱۳۸۰: ۹۵/۷). امام علی (ع) با اتخاذ راهبرد زهد و ساده‌زیستی، اصحاب و کارگزاران خویش را نیز ملزم به رعایت حقوق مردم می‌نمود تا باعث جلوگیری از پیدایش ثروت‌های غیرمشروع در نزد آنان نگردد؛ زیرا آن حضرت از عواقب شوم ثروت نامشروع آگاهی داشت؛ از این رو ایشان بر اصل اعتدال و میانه‌روی کارگزاران خود تأکید می‌ورزید تا مبادا در گرداب مفاسد اقتصادی بیفتند.

۳-۲-۸- شناسایی و مبارزه با مفسدان اقتصادی

یکی از مسائل مهم هر کشور، اقتصاد آن کشور است. به دنبال اقتصاد ناسالم، فقر عده بی‌شماری از افراد اجتماع و انباشته شدن ثروت نزد عده‌ای قلیل را باید انتظار داشت که زمینه ایجاد شکاف و ناامنی‌های بسیاری در جامعه است. از نظر اسلام، ثروت و مال در حیات مادی و معنوی انسان‌ها نقش اساسی دارد و در برخی روایات از تنگدستی به «روسپاهی در دنیا

و آخرت» (حکیمی، ۱۳۸۰: ۶۳۱/۴)، و «مرگ بزرگ» (سید رضی، حکمت ۱۶۳) تعبیر شده است. حکومت علوی که برای ایجاد اصلاحات اعتدال محور و نیز مبارزه با انواع مفسد در جامعه‌ی اسلامی پدید آمده بود به اصلاحات همه جانبه بویژه در بعد اقتصادی و درعین حال راهکارهای اساسی دست زد و مبارزه با فقر، تورّم، ربا، رشوه، اسراف و اختلاس کارگزاران حکومتی را سرلوحه‌ی اهداف و برنامه‌های خود قرار داد. مجموعه‌ی سیاست‌های رفتاری امام علی(ع) در مبارزه با مفسدان اقتصادی را می‌توان در ابعاد و قالب‌های ذیل مورد بررسی قرار داد.

۳-۲-۸-۱- مبارزه با محتکران

«احتکار» از جمله آفت‌های جدی اقتصاد جامعه و از عوامل کاهش خرید و تأمین مایحتاج مردم است. «امیر مؤمنان علی(ع) با محتکران برخورد جدی می‌نمود و در صورت اصلاح نشدن، آنان را تنبیه می‌کرد و اجناس احتکار شده دست آنان را کشف و ضبط می‌نمود» (تمیمی، ۱۳۸۵: ۳۶۷). آن حضرت کارگزاران خویش را نیز در مقابله با این عمل ناپسند تشویق می‌فرمود: «بدان که در میان بازرگانان کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و احتکار کننده‌اند که تنها بازرگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه‌ی افراد جامعه زیان‌بار بوده و از سوی دیگر عیب بزرگی برای زمامدار محسوب می‌شود. پس از احتکار جلوگیری کن که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد... کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود اما در کیفر او اسراف نکن» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ همان‌طوری که در این فرمایش مولای متقیان علی(ع) آمده است، موضوع احتکار و انبارکردن مایحتاج مردم در حکومت اسلامی عملی خلاف و غیرقانونی تلقی شده است و در صورت مشاهده این‌گونه اعمال با برخورد جدی حکومت مواجه می‌شود. دلیل مخالفت اسلام با احتکار صرفاً جنبه‌ی اقتصادی نیست؛ بلکه با توجه به اثرهای سوء این حرکت برای از بین بردن تعادل اقتصادی در جامعه و ایجاد فاصله‌ی طبقاتی و به تبع آن وارد آمدن آسیب‌های اجتماعی

و اقتصادی به افراد ناتوان و فقیر جامعه و انباشته شدن ثروت در نزد عده‌ای زیاد خواهد است. سفارش آن حضرت در تنبیه این‌گونه افراد و عدم اسراف در کیفر آنان بدان جهت است که ایشان بر اصل اعتدال و میانه‌روی و نیز اهمّیت آن در مجازات‌های اقتصادی و جزایی و کیفری واقف است و حتی در تنبیه و تشویقشان نیز افراط و تفریط را جایز نمی‌داند؛ زیرا چنانچه از این مسیر منحرف شوند نتیجه‌ای نیز عایدشان نخواهد شد.

۳-۲-۸-۲- مبارزه با رباخواران

از دیگر مشکلات و معضلات اقتصادی در جامعه‌ی اسلامی، موضوع ربا و رباخواری است. امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: «رسول خدا در مورد ربا پنج نفر را لعن کرد: خورنده آن، خوراننده‌اش، دو شاهد آن و نیز نویسنده‌اش را» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۹۰/۱). توجّه به این نکته ضروری است که در معاملات ربوی، رباخواران زیان نمی‌بینند؛ بلکه شانه‌های ربا دهنده را خرد می‌کنند؛ چرا که در این نوع معامله، مال دو طرف، در یک سو جمع می‌شود و طرف دیگر بدون مال باقی می‌ماند؛ به همین دلیل مؤسسات ربوی روز به روز وسیع‌تر و فربه‌تر و سرمایه‌دارتر می‌شود؛ در حالی که قدرت طبقه‌های ضعیف و نیازمند جامعه رو به نقصان و تحلیل می‌رود. با گسترش و فراگیری رباخواری، سرمایه‌ها در مسیرهای ناسالم قرار می‌گیرد و پایه‌های اقتصاد که اساس جامعه است متزلزل می‌گردد. «رباخواری عوطف و پیوندها را سست و بذر کینه و دشمنی‌ها را در دل‌ها می‌نشاند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۷۳/۲). از این رو با درک چنین حساسیت و نیز شناخت آسیب‌های جدی فراروی رباخواری است که امیرمؤمنان(ع) در سیاست‌های اقتصادی خویش و نیز در راه ایجاد تعادل اقتصادی و بهره‌مند همه اقشار از امکانات جامعه و در راستای رعایت اصل اعتدال و میانه‌روی اقتصادی، با این عمل حرام و مخالف موازین اسلامی مبارزه می‌کنند.

۳-۲-۸-۳- مبارزه با رشوه‌خواران

از دیگر آسیب‌های اقتصاداسلامی، پدیده شوم رشوه و رشوه‌خواری است. این آفت از جمله بزرگترین موانع اجرای عدالت به‌شمار می‌رود؛ چرا که در اثر آن قوانین اقتصادی بازیچه دست ثروتمندانی خواهد شد که قدرت پرداختن رشوه را دارند و از آن برای ادامه ظلم و ستم و نیز تجاوز به حقوق ضعیفان بهره‌برداری می‌کنند؛ در حالی که قوانین مربوطه باید حامی و حافظ منافع و حقوق محرومان باشد.

مولای متقیان علی(ع) دیدگاه خویش را در قالب یک حکایت این‌گونه بیان می‌کند: «شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سرپوشیده پر از حلوا داشت. معجونی در آن ظرف بود. چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی یا قی کرده‌ی آن مخلوط کرده‌اند. به او گفتم هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه؛ بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگیرند. آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفربی؟ یا عقلت آشفته شده یا جنّ زده شدی؟ یا هذیان می‌گویی؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان هست به من بدهید تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جویی را از مورچه‌ای به ناروا بگیرم چنین نخواهم کرد» (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). با تأمل در این روایت تکان دهنده در می‌یابیم که آن بزرگوار، آفت رشوه‌خواری را در تحکیم روابط سالم اقتصادی جامعه مضر می‌داند و از شر آن به خدا پناه می‌برد. کسانی که به این پدیده نادرست روی آوردند امکان بهره‌مندی افراد جامعه را از فرصت‌های یکسان اقتصادی و اجتماعی سلب می‌کنند؛ پس امیرمؤمنان علی(ع) در راستای اعتلای اصل میانه‌روی با این پدیده‌ی شوم به شدت مبارزه می‌کند.

۳-۲-۸-۴- مبارزه با اختلاس کارگزاران

یکی از عوامل مهم تأمین کننده سلامت اقتصادی جامعه و نیز استحکام آن، قاطعیت حاکمیت کشور در برابر کسانی است که از بیت‌المال مسلمین سوء استفاده می‌کنند. امام علی(ع) با اختلاس کنندگان مقابله‌ی جدی می‌کرد. ایشان در ضمن نامه‌ی خویش به مالک اشتر چنین سفارش فرمود:

«از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش مأموران تو همه‌ی آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی، قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر. پس او را خوار دار و خیانتکار شمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن» (سید رضی/نامه ۵۳). بر این اساس یکی از راه‌های مهم جلوگیری از خیانت کارگزاران به بیت‌المال مسلمین برآوردن نیازهای مالی آنان است؛ چنانچه برخی از کارگزاران در تنگنا قرار گیرند و در آمدشان چرخ زندگیشان را به‌درستی و روان نچرخاند؛ چه بسا به مرداب گناه گرفتار شده و به بیت‌المال دست درازی کنند. امام عارفان علی (ع) به این نکته‌ی دقیق بسیار عنایت داشت؛ همچنان که به مالک اشتر فرمود: «روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند» (سید رضی، نامه ۵۳). سیاست‌ها و نیز توصیه‌های مولای متقیان علی (ع) در ضمن نامه‌ی خویش به مالک اشتر در خصوص افرادی که در حکومت اسلامی اختلاس می‌کنند نشان از اهتمام والای آن حضرت بر حفظ بیت‌المال و حقوق اقتصادی مردم دارد؛ از این‌رو در ضمن توصیه‌ها و دستورهای خویش به مالک اشتر به رفع نیازهای مادی کارگزاران خود تأکید می‌ورزد که مبدا این کارگزاران به دلیل فقر و نیاز مالی چشم به مال مردم داشته باشند و از بیت‌المال به نفع خود بردارند.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- ۲- آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۵)، غررالحکم و دررالکلم، محقق المصطفی الدرایتی، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ۳- ابن ابی الحدید، عزالدین (۱۳۸۷ق)، شرح نهج البلاغه، تصحیح محمد ابالفضل ابراهیم، بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.
- ۴- ابن مغزالی، علی بن محمد (۱۴۲۴)، مناقب الامام علی بن ابی طالب (ع)، بیروت: دارالاضواء.
- ۵- بحرانی، ابن میثم (۱۳۶۲)، شرح نهج البلاغه، بی جا، دفتر نشر الکتب.
- ۶- تمیمی، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام، مصر: دارالمعارف.
- ۷- جعفریان، رسول (۱۳۸۴)، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (ع)، قم: انتشارات انصاریان.
- ۸- حرانی، حسن بن شعبه (۱۴۰۴)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۹- حکیمی، محمد رضا و برادران (۱۳۸۰)، الحیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۰- حجازی، فخرالدین، مشایخ و دیگران (۱۳۶۳)، یادنامه دومین کنگره نهج البلاغه، تهران: انتشارات وزارت ارشاد اسلامی و بنیاد نهج البلاغه.
- ۱۱- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۲)، ارباب امانت، تهران: انتشارات دریا.
- ۱۲- دیلمی، حسن (۱۴۱۲)، ارشادالقلوب الی الصواب، قم: شریف رضی.
- ۱۳- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی (ع)، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۴- سید رضی، محمد بن حسن، بی تا، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- ۱۵- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳)، الخصال، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۱۶- طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ۱۷- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۸- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفا.
- ۲۰- محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۵)، منتخب میزان الحکمه، مترجم حمیدرضا شیخی، قم: انتشارات دارالحدیث.
- ۲۱- محمودی، محمد باقر (۱۳۷۶)، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، مصحح عزیز آل طالب، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۲- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲)، سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
- ۲۳- معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۳)، فرهنگ آفتاب، تهران: انتشارات ذره.
- ۲۴- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۹)، پیام امام(ع)، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۵- ناظم زاده‌ی قمی، سید اصغر (۱۳۷۴)، تجلی امامت، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۲۶- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت.